

قتل یا سقط جنین؛ تمایزها در ترتب احکام متناسب با مسئولیت کیفری^۱

علمی - پژوهشی

محمد تقی شاکر اشتیجه^۲

محمد حسین شاکر اشتیجه^۳

چکیده

برخی احکام در شرع مقدس و فتاوی فقها، منوط بر تحقق عنوان خاصی می‌باشد. «قتل»، یکی از این موارد بوده که احکام مختلفی در صورت تحقق آن صادق خواهد بود. تطبیق این واژه در برخی صورت‌ها قطعی نمی‌باشد. از بین بردن «جنین»، یکی از این موضوعات بوده که صدق «قتل» یا «سقط» بر آن، می‌تواند احکام متفاوتی را به دنبال داشته باشد. در منابع روایی و نیز متون فقهی از واژگان قتل و سقط برای بیان احکام از بین بردن جنین استفاده شده است. در صورت صدق عنوان قتل، احکام فقهی از جمله منع ارث‌بردن قاتل عمد و غیر عمد حسب مورد از تمام اموال جنین یا از دیه و نیز احکام حقوق موضوعه از جمله احکام مقرر در مواد ۴۷، ۱۵۷، ۶۱۲، ۶۱۶ و ۶۳۶ قانون مجازات اسلامی صادق خواهد بود و در صورتی که سقط تلقی شود از موضوع احکام مذکور خارج می‌باشد. با بررسی متون روایی و فقهی می‌توان عنوان قتل را در صورت از بین بردن جنینی که روح در او حلول کرده، صادق دانست و در غیر این صورت، عنوان سقط محقق می‌گردد. با این حکم تفصیلی، جمع میان متون روایی و فتاوی مختلف نیز صورت می‌پذیرد. این نوشتار به صورت کتابخانه‌ای و با مطالعه کتب به بررسی این موضوع پرداخته است.

کلید واژه‌ها:

جنین، سقط، قتل، دمیده شدن روح.

^۱ تاریخ وصول: (۱۴۰۱/۰۳/۲۰) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۹/۱۱)

^۲ استادیار گروه فلسفه و کلام، پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (علیه السلام)، قم، ایران. mt.shaker@gmail.com

^۳ دانش آموخته گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشگاه آیت الله حائری، میبد، ایران. (نویسنده مسؤول) mhshaker@chmail.ir

۱- مقدمه

معادل‌سازی از بین بردن جنین با «قتل» یا «سقط»، آثار تبعی بسیاری را به دنبال دارد. اختلافی در اثبات دیه در صورت جنایت خطایی در از بین بردن جنین نمی باشد و حکم به دیه می‌شود. مقنن بر اساس متون روایی و فقهی در ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی تنها در صورتی که جنین به مرحله دمیده شدن روح رسیده باشد، دیه آن را همانند دیه یک انسان کامل دانسته و در مراحل قبل بر اساس میزان رشد، دیه آن تعیین شده است. علی‌رغم اینکه دیه جنین با حلول روح، همانند انسان کامل تعیین شده است لکن مقنن، عنوان سقط را بر تمامی مراحل رشد جنین صادق دانسته است. در مورد پیشینه تقنینی از بین بردن جنین، قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۶۱ مطلبی در مورد جنین ذکر ننموده بود و لکن در تبصره ۲ ماده ۳۰۲ قانون مجازات اسلامی مصوب ۷۰ بعد از ذکر مهلت‌های پرداخت دیه، از واژه قتل برای از بین بردن جنین استفاده نموده است. در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ از عنوان سقط برای از بین بردن جنین استفاده شده است. در صورت از بین بردن عمدی جنین قبل از دمیده شدن روح، میان فقها اختلافی نبوده و حکمی بر قصاص در کلمات ایشان تقریر نیافته و مرتکب جنایت، محکوم به دیه می‌گردد لکن در مورد از بین بردن جنین پس از دمیده شدن روح، برخی قایل به عدم ثبوت قصاص شده و عده ای نیز حکم به قصاص مرتکب داده‌اند. ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی، قول آن‌دسته از فقها -که حکم به عدم ثبوت قصاص داده‌اند- را پذیرفته و مرتکب را علاوه بر پرداخت دیه به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» محکوم نموده است. با اینکه انتهای ماده مذکور، مجازات تعزیری جنایت بر جنین پس از حلول روح را همانند انسان کامل دانسته است، در تبصره ماده فوق، سرایت جنایت بر جنین به پس از تولد را محکوم به قصاص دانسته است که نشان از حالت تردید مقنن در قبول حکم قصاص در جنایت بر جنین دارد؛ چراکه تقارن زمانی میان عنصر معنوی و مادی تحقق جرم برای ثبوت قصاص در صورت عدم قبول امکان قصاص در حالت جنایت بر جنین وجود ندارد و از بین بردن عمدی آن، محکوم به قصاص نیست.

برخی از احکام قانونی بر عنوان خاصی حمل شده و تنها در صورت تحقق آن عنوان می‌توان مطابق آن حکم عمل نمود. بر اساس ماده ۴۵۱ قانون مجازات اسلامی در صورت قرار داشتن قاتل در زمره ورثه مقتول، چنانچه قتل عمدی باشد، از اموال و دیه مقتول و در صورت خطاء محض یا شبه عمدی بودن قتل، از دیه وی ارث نمی‌برد. صدور حکم، مطابق ماده مذکور منوط به تحقق قتل می‌باشد و مرتکب موضوع ماده را می‌توان قاتل خواند. صدق عنوان قتل در تمامی موارد به سهولت نبوده و اختلاف تعبیر در متون روایی، فقهی و قانونی، سبب شک در تحقق آن می‌گردد. سوال اصلی این نوشتار بررسی تحقق عنوان قتل در صورت از بین بردن جنین می‌باشد که در صورت صدق قتل، قاتل جنین از ارث بر اساس ماده مذکور، محروم و نیز مشمول هرآنچه از احکام مقرر در قانون مجازات اسلامی مصوب ۹۲ که بر عنوان قتل یا مشتقات آن حمل شده می‌باشد که از جمله می‌توان به عدم جواز تعلیق و تعویق صدور حکم و اجرای مجازات معاونت در قتل عمدی بر اساس ماده ۴۷، جواز مقاومت در برابر قوای انتظامی در صورت خوف منجر به قتل شدن عملیات آنها موضوع ماده ۱۵۷، تعزیر مقرر در صورت مخفی نمودن جسد مقتول موضوع ماده ۶۳۶ کتاب تعزیرات، تعزیر مقرر برای قتل عمدی که مرتکب به هر دلیل قصاص نشده موضوع ماده ۶۱۲ کتاب تعزیرات، تعزیر مقرر برای ضرب و جرح عمدی موضوع ماده ۶۱۴ کتاب تعزیرات و تعزیر مقرر برای قتل غیر عمد موضوع ماده ۶۱۶ کتاب تعزیرات احکام زیر اشاره نمود.

این پژوهش می‌تواند مقدمه‌ای برای بررسی و تحقیق در موضوعات مرتبط دیگر نیز قرار گیرد. به عنوان نمونه، ارتباط این تحقیق با قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت است که در راستای پیشگیری از بین بردن جنین یا رعایت احتیاط و نظامات لازم، اقدام به وضع مقرراتی نموده است. ماده ۵۶ قانون مذکور، سقط جنین را به صورت مطلق، از جرایم دارای جنبه عمومی می‌داند. هرچند مطابق ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی، جنایت عمدی بر جنین، محکوم به مجازات تعزیری مقرر در کتاب پنجم «تعزیرات» بوده اما هیچ‌گونه مجازات تعزیری برای سقط غیر عمد تعریف نشده است. جنبه عمومی بودن جرم، حق پیگیری توسط دادستان را محفوظ می‌داند و لکن عدم بیان مجازات برای تمامی حالات آن، دلالت بر

فقدان کارآیی کامل این انتساب دارد. با دسته‌بندی ارائه شده در این پژوهش، قسمتی از این ایراد حل شده و برای از بین بردن غیر عمد جنین پس از دمیدن روح با صدق عنوان «قتل»، می‌توان مجازات تعزیری ماده ۶۱۶ کتاب پنجم قانون مذکور را در نظر گرفت که با قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت نیز مطابقت دارد. با این حال برای سقط غیر عمد جنین قبل از دمیدن روح، هیچ مجازاتی از حیث جنبه عمومی تعریف نشده است. این نوعی، ایهام یا نقصان برای قانون مجازات اسلامی و قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت بوده و نیاز به اصلاح دارد. حتی موضوع نوشتار می‌تواند شامل موضوعاتی که متأثر از نتیجه این تحقیق بوده مانند سقط درمانی (گیاهی و حبیبی، ۹۴، ۹۷-۱۲۲) قرار گیرد.

در این پژوهش، پس از تعریف واژگان (بند ۱) به بررسی از بین بردن جنین از منظر متون روایی (بند ۲) پرداخته و سپس این موضوع را از منظر متون فقهی (بند ۳) بررسی خواهیم کرد و در پایان، از بین بردن جنین از منظر حقوق کیفری (بند ۴) را بررسی و بر اساس این بررسی‌ها، عنوان صحیح قتل یا سقط بر حالات مختلف جنین را تعیین و پیشنهاداتی برای اصلاح قانون مجازات اسلامی ارائه شده است.

۲- تعریف واژگان

۲.۱. جنین

جنین بر وزن فعلیل از ریشه جنْ به معنی پوشیدن و مستور کردن بوده و اسم مفعول به معنای پوشیده شده می‌باشد. بر همین اساس، معنای جنین در کتب لغت چنین آمده است: جنین، فرزند است تا زمانی که در شکم مادرش است و به علت مخفی بودنش در رحم (جنین نام گرفته است). (جمعی از مولفان، بی‌تا، ۱۷۷/۵۶؛ ابن منظور، ۱۴۱۴، ۹۳/۱۳؛ واسطی، ۱۴۱۴، ۱۱۴/۱۸) برخی (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۹۴/۱۳) هر چیز پوشیده را جنین دانسته‌اند.

۲.۲. سقط

سقط به معنی افتادن (قرشی، ۱۴۱۲، ۲۷۷/۳) افتادن از بالا به پایین (فیومی، بی‌تا، ۲۸۰/۲) آمده است. در صورتی‌که سقط در مورد فرزند باشد به افتادن بچه ناکامل تعریف شده است (ابن‌منظور، ۱۴۱۴، ۳۱۶/۷؛ زمخشری، ۱۴۱۷، ۱۴۹/۲). در حقوق نیز تعاریف مختلفی ذکر شده از جمله: از منظر حقوق کیفری، سقط جنین و زایمان قبل از موعد طبیعی- که جنین خارج از رحم زنده نگه داشته

می‌شود- دو مقوله جدا از هم می‌باشند و از نظر پزشکی قانونی، ختم حاملگی قبل از موعد طبیعی را سقط گویند و آن در صورتی است که جنین در خارج از رحم مادر قادر به زندگی نباشد (آقایی‌نیا، ۱۳۹۵، ۴۳۹). بنابراین در سقط، حتماً فرزند از رحم مادر خارج می‌شود؛ به گونه‌ای که امکان حیات برای او در خارج از رحم نباشد.

۳،۲. قتل

قتل به کشتن تعریف شده و اهل لغت و فقها ملاک آن را ازهاق روح دانسته‌اند (قرشی، ۱۴۱۲، ۲۳۱/۵؛ محمود عبد الرحمان، بی‌تا، ۶۹/۳؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۴۳، ۳۸۱؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۴۸۷/۱۵). ازهاق روح می‌تواند در حالات مختلفی مانند در خشکی، درون آب و یا حتی درون رحم صورت پذیرد. رابطه سقط و قتل را می‌توان عموم و خصوص من وجه دانست به این بیان: در صورتی که ضربه‌ای منجر به افتادن و خروج جنین گردد؛ سقط و قتل محقق شده است. هرگاه جنین در اثر عواملی مانند عوامل طبیعی بدون دخالت انسان خارج گردد؛ دیگر عنوان قتل محقق نخواهد بود بلکه سقط محسوب می‌شود. در صورتی که جنین با ضربه‌ای درون رحم بمیرد؛ عنوان قتل صادق و لکن سقط محقق نمی‌باشد. تمامی این حالات منوط به دمیده شدن روح در جنین است چراکه تعریف قتل به ازهاق روح می‌باشد.

اما اضطراب نگاه مقنن در تدوین متون قانونی ما را به ضرورت بررسی متون روایی و فقهی به عنوان منبع احکام مقرر در حقوق موضوعه برای کشف نظر برتر در صدق عنوان قتل یا سقط بر از بین بردن جنین، رهنمون می‌نماید.

۳. از بین بردن جنین از منظر متون روایی

در منابع روایی امامیه در رابطه با موضوع از بین بردن جنین سخن به میان آمده است. با بررسی منابع روایی، گونه‌های روایات این موضوع و واژگان جانشین و هم نشین آن مرور خواهد شد.

۳،۱. استعمال واژه قتل و مردن برای جنین

حضرت امام صادق (ع) در سوال از حکم مردی که جنین داخل شکم کنیزی را کشته، چنین پاسخ دادند: اگر جنین داخل شکم زن بعد از ضرب بمیرد پس مرد باید نصف یک دهم قیمت کنیز را بپردازد. اگر بعد از ضرب، کنیز جنین را زنده به دنیا بیاورد و سپس بمیرد در این حالت، مرد باید یک دهم قیمت کنیز را بپردازد (کلینی، ۱۴۲۹، ۴۶۳/۱۴؛ طوسی، ۱۴۱۳، ۱۴۶/۴). در این روایت، پرسش در مورد واژه قتل جنین انجام شده بود که حکایت از انتساب قتل به جنین داشته و امام (ع) در ادامه،

واژه مردن بر اثر ضرب را برای جنین بکار برده‌اند. اطلاق قتل به اعتبار کشنده و اطلاق موت به اعتبار از بین رفتن حیات است.

۳,۲. بکار بردن واژه سقط در کنار حیات

کلینی در کافی به نقل از معصوم (ع) آورده است: «... زمانی که پنج ماه بگذرد پس در جنین حیات آمده و در سقط آن دیه کامل است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۴۶/۷). در این عبارت امام (ع) جنین را داری حیات و همانند یک انسان در برخورداری از دیه می‌دانند. در این روایت، سائل از واژه سقط برای این مورد استفاده کرده است.

۳,۳. بکارگیری واژه سقط در کنار موت

حضرت امام صادق (ع) در مورد مردی که دخترش را در حال بارداری مورد ضرب قرار داده و موجب سقط جنین مرده شده و همسر دختر، مطالبه جبران خسارت نموده است و دختر در واکنش به این مطالبه گفت که اگر برای من سهمی از دیه جنین وجود دارد، میراث خود از آن را به پدرم بخشیدم؛ فرمودند: «پدر می‌تواند آنچه را که به او بخشیده شده است دریافت کند» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۴۶/۷). در این روایت، واژه سقط در کنار مردن آمده است. می‌توان گفت در صورتی که تنها عبارت سقط برای جنین صحیح باشد پس نمی‌توان از واژگان موت یا موارد مشابه که در صورت صدق آن، قتل نیز صدق می‌نماید، استفاده نمود؛ در حالی که در روایت، واژه میت را برای جنین به کار برده شده صدق میت، دلالت بر صدق قتل نیز دارد. راغب و قرشی این هم‌خوانی را در تعریف قتل چنین تقریر نموده‌اند: اصل قتل ازاله روح است از بدن مثل مرگ لیکن چون به کشنده اطلاق شود قتل گویند و به اعتبار از بین رفتن حیات، موت نامند (قرشی، ۱۴۱۲، ۲۳۱/۵؛ اصفهانی، ۱۴۱۲، ۶۵۵).

۳,۴. اطلاق قتل بر از بین بردن جنین

در روایت آمده است که: «در خصوص زنی پرسیدم که دارویی نوشیده، در حالی که باردار بوده و در نتیجه بچه‌اش را انداخت. در پاسخ فرمودند: اگر حمل او به مرحله استخوان‌بندی رسیده و گوشت بر آن روییده، بر ذمه زن دیه‌ای است که باید آن را به پدر آن بپردازد و اگر در هنگامی که آن را انداخته، علقه و یا مضغه بوده، چهل دینار و یا غره به پدرش بپردازد. عرض کردم: آیا این زن از دیه فرزندش ارث نمی‌برد؟ امام (ع) فرمودند: خیر، زیرا او را کشته است» (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۴۴/۷).

در روایت بالا عنوان قتل برای از بین بردن جنین به صورت مطلق اعم از حلول روح و پیش از آن به کار برده شده است و به بیان احکام جنین در حالات متفاوت می‌پردازد. ممکن است ایراد شود

که این روایت به بیان دیه جنین نیز پرداخته و آن را مقدر نموده؛ لکن فقها به آن عمل نکرده‌اند، چرا که میزان دیه جنین در مراحل مختلف رشد، مطابق روایت زیر تعیین شده و در عبارات فقها و نیز حقوق موضوعه تقریر یافته است. امام صادق(ع) فرمودند: «امیرالمؤمنین علی (ع) دیه جنین را صد دینار و دیه منی مرد را تا آن که جنین شود، پنج مرحله قرار داد: پس اگر جنین بود، پیش از آن که روح در آن درآید، صد دینار و این بدان جهت است که خداوند عز و جل انسان را از عصاره‌ای که همان نطفه است آفرید. این یک مرحله؛ سپس علقه پس این دو مرحله؛ سپس مضغه این هم سه مرحله؛ سپس استخوان، این چهار مرحله؛ سپس گوشت بر آن پوشیده می‌شود. در این هنگام پنج مرحله برای جنین کامل می‌شود و دیه‌اش صد دینار است و صد دینار نیز پنج بخش می‌شود [و هر بخشی برای مرحله‌ای اختصاص می‌یابد]. حضرت برای نطفه، یک پنجم صد تا یعنی بیست دینار و برای علقه، دو پنجم صد تا یعنی چهل دینار و برای مضغه، سه پنجم صد تا یعنی شصت دینار و برای استخوان، چهارپنجم صد تا یعنی هشتاد دینار و چون گوشت بر آن پوشیده شود، صد دینار کامل برای اوست و چون آفرینش جدیدی در آن ایجاد شد که همان روح است، پس او در این هنگام یک انسان است که اگر پسر باشد در آن هزار دینار کامل است و اگر دختر باشد، پس دیه‌اش پانصد دینار است...» (بروجردی، ۱۴۲۹، ۶۵۷/۳۱)

در پاسخ گفته می‌شود عمل نکردن به مقدار دیه مذکور در این روایت، به حجیت آن زیان نمی‌رساند، زیرا نهایت چیزی که می‌توان از آن به دست آورد این است که فقهاء به این قسمت حدیث عمل نکرده‌اند و این موضوع با حجیت روایت در سایر قسمت‌هایی که دارد، منافاتی ندارند. افزون بر آن این که حدیث به سند صحیح - از ابو عبیده از امام صادق(علیه السلام) روایت شده است و مرحوم شیخ صدوق و شیخ طوسی(شیخ صدوق، ۱۴۱۳، ۷۵/۴-۷۷؛ شیخ طوسی، ۱۴۰۷، ۲۹۵/۱۰) آن را روایت کرده‌اند. (جمعی از مولفان، بی تا، ۱۳۴/۹)

۳.۵. همانندنگاری جنین بعد از ولوج روح با انسان

سعید بن مسیب می‌پرسد: ... نظر شما این است که تحول جنین در شکم مادرش، با روح است یا بدون روح؟ حضرت امام سجاد(ع) در پاسخ می‌فرمایند: با روحی جدای از حیات سابق در صلب پدران و رحم مادران و اگر چنین نبود، جنین از حالی به حالی دیگر متحول نمی‌شد و در آن صورت، بر کسی که جنین در چنین حالتی به قتل می‌رساند، پرداخت دیه واجب نمی‌گشت (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۴۷/۷). این روایت بر خلاف روایت قبلی، همانندنگاری جنین با انسان کامل و تعلق دیه کامل در صورت

قتل آن را تنها در حالت حلول روح دانسته است.

اطلاق برخی روایات بر صدق عنوان قتل بر جنین در تمامی حالات در کنار روایاتی که تحقق این عنوان را تنها در حالت دمیده شدن روح دانسته، با مساعدت معنای لغوی قتل و سقط، نشان از صحت عنوان قتل و سقط بر جنین پس از دمیده شدن روح است و در مورد قبل از دمیده شدن روح، از واژه سقط استفاده می‌شود و ذکر واژه قتل بر جنین در تمامی حالات به دلیل به کارگیری فعل (قتل نه سقط)، مربوط به مصداق اهم (جنین پس از دمیده شدن روح) می‌باشد.

۴. از بین بردن جنین از منظر متون فقهی

نظر مشهور فقها (مفید، ۱۴۱۳: ۷۶۳. طوسی، ۱۴۰۷: ۲۹۱/۵. طرابلسی، ۱۴۰۶: ۵۰۹/۲. عاملی، ۱۴۱۳: ۴۸۹. حلی، ۱۴۰۸: ۲۶۷/۴. طبرسی، ۱۴۱۰: ۵۳/۲) بر عدم امکان قصاص از بین برنده عمدی جنین می‌باشد که در قانون مجازات اسلامی، بازتاب یافته است. قصاص تنها در جایی ممکن است که دیه فرد حسب جنسیت مرد یا زن بودن به ترتیب ۱۰۰۰ و ۵۰۰ دینار باشد و در مواردی مانند غیر مسلمان که دیه چنین نیست امکان قصاص وجود ندارد همینطور است در مورد جنین که دیه آن در کامل ترین حالت یعنی با ولوج روح، ۱۰۰ دینار بوده بنابراین امکان قصاص وجود ندارد و از همین رو برخی فقها تنها به ذکر دیه آن بسنده کرده اند. اما در مورد چرایی چنین حکمی می‌توان گفت: «اول اینکه عمومات قصاص شامل جنین نمی‌شود. دوم اینکه در روایات متعددی که در باب دیه جنین وارد شده، تعبیراتی وجود دارد که یا صریح در قتل عمد است و یا اعم از قتل عمد و خطا و شبه عمد می‌باشد و در همه آنها تصریح به دیه شده و ثالثاً بر فرض که مصداق شبهه شود، حدود و قصاص با شبهه دفع می‌شود، به خصوص اینکه فتوای به جواز قصاص در باب جنین از مشاهیر فقها جز در موارد نادر دیده نشده است» (شیرازی، ۱۴۲۷، ۴۰۳/۱).

هرچند برخی فقها فصل یا قسمتی با عنوان «قتل الجنین» (خویی، ۱۴۲۷، ۲۵۳) یا «الکلام فی قتل الجنین خطأ» (خویی، ۱۴۲۴، ۲۱۲) ذکر نموده لکن بررسی فتاوی مختلف در این موضوع می‌تواند در کشف نظر برتر راهگشا بوده که در ادامه به بررسی متون فقهی که در آن از واژه قتل برای از بین بردن جنین استفاده شده پرداخته می‌شود. می‌توان نظرات فقها را در دو دسته ارائه نمود. برخی عنوان قتل را بر از بین بردن جنین در تمامی مراحل، صادق دانسته‌اند. این برداشت، حسب مورد از اطلاق کلام یا از تصریح به جنین در مرحله پیش از دمیدن روح می‌باشد. در مقابل، برخی عبارت قتل را تنها در جنین بعد از دمیدن روح مقرر داشته اند.

۴,۱. صدق قتل بر از بین بردن جنین در تمامی مراحل

اینکه فقها در آثار خود بر مراحل گوناگون سلب حیات از جنین، عنوان قتل را حمل کرده اند یا آن را به مرحله پس از دمیده شدن روح اطلاق داشته اند، نیازمند واکاوی است که در ادامه به آنها پرداخته می شود. در گام نخست سخنان فقهائی مطرح می شود که به تعمیم عنوان قتل بر مطلق از بین بردن جنین (اعم از ولوج روح یا پیش از آن) باورمند می باشند.

۴,۱,۱. اطلاق قتل جنین در قصاص یا احضار زن باردار

یکی از مصادیق از بین بردن جنین مربوط به اجرای حکم قصاص زن باردار یا احضار متهمه باردار می باشد. برخی فقها علم ولی دم در اجرای قصاص زن باردار را به دلیل توجه ضمان به او در قتل جنین دانسته که این ضمان قتل جنین، در تمامی مراحل قبل و بعد از حلول روح صادق است (طوسی، ۱۳۸۷: ۷، ۶۰). سایر فقها نیز در این خصوص یا موضوعات مرتبط دیگر، تقریراتی داشته که با اطلاق کلامی دلالت بر صحت استناد قتل به از بین بردن جنین در تمامی مراحل آن دارد (خویی، ۱۴۱۰: ۲۸، ۱۰۰) (عاملی، بی تا: ۱۱، ۱۱۷). برخی در ماموری که وظیفه احضار متهمه‌ای را داشته و سبب قتل جنین متهمه شده پرداخت دیه را از بیت المال دانسته و از بین بردن جنین را به صورت مطلق با عنوان قتل مقرر نموده اند. (بهجت، ۱۴۲۶، ۳۱۱/۵) در متون فقهی مذکور، از بین بردن جنین به صورت مطلق و بدون اشاره با حالت ولوج روح یا پیش از آن با عنوان قتل و نه سقط ذکر شده است.

۴,۱,۲. صدق قاتل بر از بین برنده جنین قبل از حلول روح

فقها در بکارگیری کلمات در متون فقهی با عنایت به تحمیل حکم بر آنها دقت زیادی داشته و از این رو بکار بردن واژه قتل به معنای ترتب آثار آن بوده مگر آنچه از احکام که استثنا شده باشد. از بین بردن جنین قبل از دمیده شدن روح با عنوان موت و وجوب دیه بر قاتل مقرر شده است (بصری، ۱۴۱۳، ۴۵۸/۴). مرتکب از بین بردن جنین، قاتل نامیده شده که دلالت بر ارتکاب قتل دارد. لذا اطلاق قتل برای از بین بردن جنین، صحیح می باشد. صدق عنوان قتل بر از بین بردن جنین پیش از ولوج روح به طریق اولی دلالت بر صحت عنوان قتل پس از دمیده شدن روح دارد.

۴,۱,۳. اسراف در قتل مادر باردار

فقهائی اجرای حکم قتل مادر باردار را به دلیل همراهی قتل جنین با قتل مادر، از مصادیق آیه شریفه «فَقَدْ جَعَلْنَا لُولِيهِ سُلْطَانًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ» و اسراف در قتل دانسته‌اند. این مطلب دلالت بر

صدق عنوان قتل بر تمامی حالات جنین داشته چراکه منع اعدام مادر باردار محکوم به قتل، بدون ملاحظه حالت جنین نسبت به حلول روح یا قبل از آن می‌باشد (عاملی، ۱۴۲۷، ۵۴۳/۹، سبزواری، ۱۴۱۳، ۳۰۰/۲۸). هرچند صدق عنوان قتل بر از بین بردن جنین همانند برخی موارد دیگر، محکوم به قصاص نیست و لکن نمی‌تواند مانعی برای تحقق سایر آثار مربوطه به عنوان قتل باشد. اطلاق منع در اسراف قتل، شامل تحقق حمل بعد از جنایت یا حتی حمل از زنا هم می‌باشد.

۴،۲. صدق قتل بر از بین بردن جنین بعد از دمیده شدن روح

برخی فقها، تطبیق عنوان قتل را تخصصاً به مرحله پس از تعلق روح به جنین دانسته که به قرار زیر است.

۴،۲،۱. تعلق کفاره به قتل جنین با داخل شدن روح

برخی (خمینی، ۱۴۲۵، ۴۴۵/۴) حکم به پرداخت کفاره در قتل جنین بعد از دمیده شدن روح داده و برخی (لنکرانی، ۱۴۲۵، ۴۹۹، کابلی، ۱۴۲۶، ۷۴۹) آن را موافق با احتیاط دانسته‌اند. در مقابل، دسته دیگری از فقهاء کفاره را لازم ندانسته و مقرر داشته‌اند: و لا كفارة هنا أى فى قتل الجنین فى جميع أحواله، لأن وجوبها مشروط بحياة القتيل (عاملی، ۱۴۱۰، ۲۹۳/۱۰). همان‌گونه که ملاحظه می‌شود در این عبارت؛ تناقضی آشکار ذکر شده چراکه در ابتدا از قتل جنین صحبت نموده و قتل به معنای ازهاق نفس بوده که منوط به ذی‌روح بودن است و لکن در ادامه با عنوان «فی جميع احواله»، حکم قتل را بر تمامی حالات جنین حتی قبل از دمیده شدن روح صادق می‌دانند. بنابراین کفاره قتل که در آیه ۹۲ سوره نسا تعیین شده برای از بین بردن جنین هم جاری است و قاتل جنینی که روح در او دمیده شده محکوم به کفاره نیز می‌باشد.

۴،۲،۲. استعمال قتل و سقط برای از بین بردن جنین

عده‌ای از فقهاء استعمال بعضی مواد را موجب از بین رفتن جنین دانسته و برای از بین رفتن جنین از دو اصطلاح قتل و سقط استفاده نموده‌اند (بصری، ۱۴۱۳، ۴۵۸/۴). ظاهراً می‌توان گفت بنابر تعریف قتل به ازهاق که لازمه آن ذی‌روح بودن است عنوان قتل برای جنین بعد از حلول روح و عنوان سقط برای مرحله قبل از آن است. به عبارتی اطلاق استفاده از هر دو واژه قتل و سقط بر ای مطلق جنین با توجه به تفاوت احکام آنها، مستلزم تعریف دقیق دامنه شمول هر یک از واژگان برای اجرای احکام مربوطه به آن می‌باشد.

۴،۲،۳. تعلق احکام قتل (غیر از قصاص) بر جنین با داخل شدن روح

یکی از فقه‌های معاصر عقیده دارد علم قطعی یا ظنی به تولد ناقص جنین را نمی‌توان دلیل کافی بر قتل جنین بعد از دمیده شدن روح دانست. ایشان با ذکر موارد مشابه که قتل عمد آنها نیز قصاص ندارد مانند دیوانه، به تبیین حرمت قتل جنین و دیه آن پرداخته است (شیرازی، ۱۴۲۲، ۲۹۶). بنابراین هرچند حکم قصاص از قتل در این موارد برداشته شود و لکن سایر احکام متعلق بر عنوان قتل، جاری خواهد بود. برخی فقها (سبحانی، گنجینه استفتائات قضایی، سؤال ۸۵۵۶) در تکلیف کادر پزشکی در فرض عدم امکان نجات جان مادر و فرزند در حال تولد مقرر داشته اند: «آنچه به نظر می‌رسد، از آن‌جا که نجات یکی امکان‌پذیر است باید او را نجات داد و ترجیح با مادر است به شهادت این‌که قتل مادر قصاص اما قتل جنین دیه دارد.» با توجه به اینکه فرزند در حال تولد بوده فتوی مذکور، ناظر به حالت ولوج روح است. در این فتوی عنوان قتل برای هر دوی مادر و جنین بکار رفته است و تنها قصاص از قتل جنین برداشته شده است.

۴,۲,۴. عدم صدق قتل قبل از درآمدن روح

گروهی از فقها بر از بین برنده جنین قبل از دمیده شدن روح، عنوان قاتل را به دلیل عدم صدق قتل در از بین بردن چنین جنینی، صادق نمی‌دانند. زیرا تحقق عنوان قتل، منوط به ازهراق روح می‌باشد (قندهاری، ۱۴۲۴، ۶۰/۱). تحقق قتل با ذی روح بودن ارتباط داشته و قتل منجر به ازهراق روح می‌شود. جنین در طول حضور در رحم مادر، دارای مراتب مختلفی بوده و در برخی از این حالات و پس از گذشت مدت مشخصی، روح در او دمیده شده تا بتوان عنوان قتل را بر آن صادق دانست. بنابراین عنوان قتل که منوط به ذی روح بودن است قبل از دمیده شدن روح در جنین، بر از بین بردن آن صادق نیست.

۴,۲,۵. جنین با داخل شدن روح به مثابه نفس

برخی دیگر نیز جنین را پس از داخل شدن روح، صراحتاً نفس دانستند که همانند یک فرزند بوده و تمام احکام قصاص، دیه و کفاره در مورد او صادق است (نجفی، ۱۴۲۳، ۹۶/۳؛ کابلی، بیتا، ۴۴۶/۳) ولی اگر روح در جنین دمیده نشده باشد؛ او را نفس نمی‌دانند و بالتبع احکام مذکور را در مورد چنین جنینی ثابت ندانسته و تنها دیه را لازم می‌دانند. بنابر مثابه دانستن جنین ذی روح با نفس، مطابق عموماً النفس بالنفس عمل می‌شود مگر احکامی مانند قصاص که استثنا شده است.

هرچند در عبارات گروه نخست، کلمه قتل برای از بین بردن جنین در تمامی مراحل تقریر یافته است لکن ملاکی که برای تحقق قتل ذکر شده دلالت بر صدق عنوان قتل بر از بین بردن جنین بعد از

حلول روح دارد. به این بیان که قتل به کشتن تعریف شده و اهل لغت و فقها ملاک آن را ازهاق روح دانسته و تنها در برخی حالات جنین - که روح دمیده شده است - این ملاک محقق می‌گردد. علاوه بر موارد فوق در موضوع ثبوت قصاص یا دیه در صورت از بین بردن جنین، برخی برای اثبات قصاص چنین مقرر داشته‌اند: بعد از دمیده شدن روح، مقتضی موجود و مانع مفقود است پس مشمول ادله قصاص است (سبزواری، ۱۴۱۳، ۱۱۲/۲۹). از این رو به دلیل وجود اختلاف در به کار بردن عنوان سقط و قتل، بررسی منبع این احکام یعنی متون روایی برای کشف نظر صحیح، ضرورت می‌یابد.

۵. از بین بردن جنین از منظر حقوق کیفری

قضات باید در ابتدا با بررسی متن و روح قانون، سبب به انشا حکم یا اصطیاد آن بپردازند و در صورتی که امکان به دست آمدن حکم نبود؛ نسبت به بررسی متون فقهی و روایی بپردازند. مقنن در مواد مختلف، احکام مربوط به جنین را ذکر نموده است. بر اساس بند ج ماده ۷۱۶ قانون مجازات اسلامی، دیه جنین پس از دمیدن روح، اگر پسر باشد دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبّه باشد سه چهارم دیه کامل است. اما بر اساس تبصره ماده ۵۵۱ قانون مذکور، در تمامی جنایاتی که مجنی‌علیه، مرد نباشد، معادل تفاوت دیه تا سقف دیه مرد از صندوق تأمین خسارت‌های بدنی پرداخت می‌شود. بنابراین جزای نقدی از بین بردن جنین پسر و دختر یکسان بوده و تفاوت آن در مسئول پرداخت دیه می‌باشد. این مطلب در نظریه مشورتی ۱۸۶/۱۴۰۰/۷ مورخ ۱۴۰۰/۰۴/۲۸ نیز بازتاب یافته است.

علاوه بر این بر اساس یافته‌ها در قانون مجازات اسلامی، از دو واژه «سقط» و «از بین بردن» برای جنین استفاده شده است. واژه «سقط» تنها در خصوص جنین به کار برده شده است. واژه «از بین بردن» برای غیر از جنین در مورد از بین رفتن منافع و اعضای بدن در مواد متعددی به کار رفته و ذکر این واژه در مواد ۶۱۲، ۶۱۴، ۶۵۵، ۶۶۱، ۶۶۳ و ۶۶۹ قانون مذکور در کنار واژه «قطع» نشان می‌دهد که در قطع، هیچ اتصالی میان عضو و بدن وجود نداشته و همانند سقط در جنین بوده است. در «از بین بردن» هنوز عضو به بدن متصل بوده لکن دیگر هیچ منفعتی نداشته و همانند موردی است که جنین در داخل رحم از بین رفته اما خارج نشده است.

می‌توان دیدگاه مقنن در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ نسبت به از بین بردن جنین را در دسته‌بندی زیر ارائه نمود:

- در برخی مواد مانند ۳۵۵، جنین به عنوان یکی از اولیای دم همانند کودک یا دیوانه نمی‌باشد و

در حقیقت هیچ شخصیتی برای جنین قایل نشده است. ماده مذکور حتی نسبت به انتظار مشخص شدن وضعیت جنین و تولد یا عدم تولد او ساکت است. حکمی که مطابق ماده ۳۵۴ در مورد کودک مراعی بوده لکن در خصوص جنین مسکوت مانده است. لذا این سوال باقی است که اگر سایر اولیا دم، حکم به قصاص داده و اجرا شود ولیکن جنین، زنده متولد گردد و ولی او درخواست مصالحه را داشته باشد؛ آیا سایر اولیا باید دیه‌ی سهم نوزاد متولد شده را بپردازند یا هیچ حقی به او تعلق نمی‌گیرد؟ مقنن با ولی دم شمردن جنین پس از زنده متولد شدن، چه حقی را برای او در نظر داشته است؟ ظاهراً تنها در صورتی که هنوز حکم قاتل اجرا نشده باشد و جنین زنده متولد شود حق مطالبه قصاص یا دیه توسط ولی برای جنین ثابت است و لکن اگر قصاص قاتل قبل از تولد جنین صورت گیرد؛ دیگر حقی در مطالبه دیه برای ولی جنین نخواهد بود. در هر حال لازم است حکم این مساله با صراحت در اصلاحات آتی قانون مجازات اسلامی همانگونه که ارث بردن جنین و شرایط آن به صراحت در قانون مدنی ذکر شده، اعمال گردد.

- در برخی مواد مانند ۵۵۶ و ۷۱۶، با دسته‌بندی جنین به دو مرحله پیش و پس از پیدایش روح، برای جنین در مرحله پس از پیدایش روح، احکامی همانند انسان زنده در موضوعات تغلیظ دیه و میزان آن را قایل است.

- در برخی مواد مانند ماده ۷۱۸، مقنن امکان وقوع جنایات عمد، شبه عمد و خطا محض را در مورد جنین حتی پیش از دمیده شدن روح صادق می‌داند. در هر حال امکان قصاص در جنایت عمدی بر جنین نیست؛ تنها مقنن در تبصره ماده ۳۰۶، در صورت سرایت جنایت وارده بر جنین پس از مرحله تولد که در نهایت موجب نقص یا مرگ نوزاد متولد شده گردد قصاص را ثابت می‌داند. مقنن قصاص را به دلیل عدم خروج نوزاد ثابت ندانسته اما شخصیتی همانند انسان برای او در نظر گرفته و در حین جنین بودن، بدل از قصاص، حکم به دیه را ثابت می‌داند.

- در ماده ۷۱۹، در صورتی که چند جنین در رحم وجود داشته باشد، برای هر کدام شخصیت مستقل قایل است و مطابق ماده ۷۲۰، در صورت ایراد چند جنایت بر جنین، تنها دیه جنایت منجر به مرگ در دیه جنین تداخل می‌کند همانند آنچه مطابق مواد ۲۹۹ و ۵۳۹ در صورت ایراد چند جنایت بر انسان کامل در نظر گرفته شده است.

مقنن در قانون راجع به مجازات اسلامی مصوب ۶۱ مطلبی در مورد جنین ذکر ننموده لکن در ماده ۳۰۲ این قانون مصوب ۷۰ از واژه «قتل جنین» و در مواد ۴۸۷ و ۷۹۲ قانون اخیر از واژه «سقط

جنین» استفاده نموده است. در ماده ۱۲۵ کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۷۵، قصاص یا دیه را حسب مورد در از بین بردن جنین مقرر داشته اما از عنوان سقط استفاده نموده است. هرچند مقنن در ماده ۷۱۶ همین قانون مصوب ۹۲ عنوان «سقط» را بر جنین پس از دمیده شدن روح نیز صادق دانسته است اما احکامی همانند انسان زنده را برای آن ثابت دانسته و از طرف دیگر برخی احکام انسان زنده را برای جنین ثابت نمی‌داند. برخی حقوق‌دانان (میرمحمدصادقی، ۱۳۹۲، ۲۴۴) معتقدند سقط جنین بنا به تصریح ماده ۳۰۶ قانون مذکور در هیچ یک از مراحل رشد آن قتل محسوب نشده است. اطلاق این مطلب حتی در صورتی که قصاص در مورد جنین پذیرفته نشود؛ صحیح نبوده چراکه لزوماً عدم قصاص نمی‌تواند دلیلی بر عدم صدق قتل باشد.

۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

۱. استناد به عدم قصاص در از بین بردن جنین حتی با دمیده شدن روح، نمی‌تواند به عنوان مویدی برای عدم صحت عنوان «قتل» بر از بین بردن جنین باشد؛ چراکه در موارد بسیاری مانند قتل مجانین یا قتل فرزند توسط پدر علی‌رغم عدم ثبوت قصاص، عنوان «قتل» صادق است. علاوه بر این عده‌ای از فقها قایل به ثبوت قصاص در از بین بردن جنین با دمیده شدن روح می‌باشند.
۲. موضوع ارث بردن یا امکان وصیت به نفع جنین و نیز احکامی مانند آنچه در تبصره ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی آمده است، از مویدات صحت عنوان قتل در از بین بردن جنین می‌باشد؛ چراکه لازمه این موارد، تمام دانستن شخصیت جنین می‌باشد. از این گذشته مجازات تعزیری بر اساس کتاب پنجم قانون مجازات در جنایت عمدی بر جنین، ثابت دانسته شده است.
۳. بر اساس بررسی متون روایی در کلام معصومین (ع) نیز از عنوان قتل برای از بین بردن جنین استفاده شده است. علاوه بر اینکه سوال کننده (روایت ذیل بند ۱، ۲) نیز از همین عنوان استفاده نموده است که نشان از صحت استناد قتل در نزد عرف می‌باشد. روایتی قتل را در تمامی حالاتها بر جنین صادق دانسته و روایت دیگر تنها در حالت حلول روح در جنین، آن را همانند قتل انسان می‌دانست که با حمل عام بر خاص، استناد حقیقی عنوان قتل، تنها در حالت حلول روح صحیح فرض می‌شود یا اینکه ذکر واژه قتل بر جنین در تمامی حالات، به دلیل به کارگیری فعل (قتل) مربوط به مصداق اهم (جنین پس از دمیده شدن روح) می‌باشد.
۴. برای جمع‌بندی میان اقوال فقها که با عنایت به معنای لغوی قتل به ازهاق روح و نیز با عنایت به روایتی که قتل و همانندنگاری جنین یا انسان در تعلق دیه را در حالت حلول روح دانسته

است، می‌توان چنین نتیجه گرفت که عنوان قتل تنها در صورت حلول روح در جنین صادق می‌نماید تا حمل احکامی که متعلق بر این عنوان بوده را ممکن دانست و به از بین بردن جنین در حالت قبل از حلول روح، سقط گفته می‌شود و احکامی که بر عنوان قتل آمده را نمی‌توان در از بین بردن جنین در این حالت صحیح دانست. عنوان سقط با عنایت به معنای لغوی آن بر تمامی حالات جنین صادق است.

۵. از نتایج به دست آمده می‌توان قسمتی از ایهام یا نواقص قانون حمایت از خانواده و جوانی جمعیت در راستای جرم انگاری و تعیین مجازات از بین بردن جنین را با تطبیق از بین بردن جنین پس از حلول روح با قتل و تعیین مجازات بر اساس ماده ۶۱۶ ق.م.ا. برطرف نمود و اصلاح لازم در تعیین مجازات از بین بردن جنین قبل از حلول روح که سقط نامیده می‌شود توسط مقنن صورت پذیرد.

۶. پیشنهاد می‌شود مقنن، صحت عنوان قتل را تنها در صورت از بین بردن جنین با حلول روح در قانون مجازات اسلامی برای قرار گرفتن در دامنه شمول احکام متعلق بر عنوان قتل، تصریح نماید. بنابراین بند ج ماده ۷۱۶ به قرار زیر اصلاح گردد:

«ج- دیه قتل جنینی که روح در آن دمیده شده است اگر پسر باشد، دیه کامل و اگر دختر باشد نصف آن و اگر مشتبّه باشد، سه‌چهارم دیه کامل آن می‌باشد.»

همچنین عنوان «سقط جنین» در ماده ۵۵۶ قانون مذکور به «قتل جنین» اصلاح گردد. با اعمال این اصلاحات، قاتل جنینی که روح در آن دمیده شده نیز به مجازات‌های مذکور در مواد ۴۷ و ۱۵۷ قانون مجازات اسلامی و مواد ۶۱۲، ۶۱۶ و ۶۳۶ کتاب تعزیرات محکوم می‌شود.

منابع

- ابن بابویه، محمد بن علی (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار الفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دار صادر.
اصفهانی، حسین بن محمد راغب (۱۴۱۲)، مفردات ألفاظ القرآن، سوریه: دار العلم - الدار الشامی.
آقائی نیا، حسین (۱۳۹۵)، جرائم علیه اشخاص (جنایات)، تهران: میزان.
بروجری، آقا حسین طباطبایی (۱۴۲۹)، مترجمان: حسینیان قمی، مهدی - صبوری، منابع فقه شیعه، تهران: فرهنگ سبز.

بصری بحرانی، زین الدین، محمد امین (۱۴۱۳)، کلمة التقوی، قم: سید جواد وداعی.

تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۸)، تنقیح مبانی الأحكام - كتاب الديات، قم: دار الصدیقه الشهیده سلام الله علیها.

جمعی از مؤلفان (بی تا)، مجله فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، قم: مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام.

حلی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن (۱۴۰۸)، شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام، قم: مؤسسه اسماعیلیان.

خویی، سید ابو القاسم موسوی - تبریزی، جواد بن علی (۱۴۲۷)، فقه الأعداء الشرعیة و المسائل الطبیه (المحتسی)، قم: دار الصدیقه الشهیده سلام الله علیها.

خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۲۴)، محاضرات فی الموارث، قم: مؤسسه السبطين (علیهما السلام) العالمیه.

خویی، سید ابو القاسم موسوی (۱۴۱۰)، تکملة المنهاج، قم: نشر مدینه العلم.

زمخشری، ابو القاسم، محمود بن عمر (۱۴۱۷)، الفائق فی غریب الحدیث، لبنان: دار الکتب العلمیه.

سبزواری، سید عبد الأعلى (۱۴۱۳)، مهذب الأحكام (للسبزواری)، قم: مؤسسه المنار - دفتر حضرت آیه الله.

شهید ثانی، عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیه.

شیرازی، ناصر مکارم (۱۴۲۲)، بحوث فقهیه هامه (لمکارم)، قم: انتشارات مدرسه الإمام علی بن أبی طالب علیه السلام.

شیرازی، ناصر مکارم (۱۴۲۷)، استفتاءات جدید (مکارم)، قم: انتشارات مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.

طبرسی، امین الإسلام، فضل بن حسن (۱۴۱۰)، المؤلف من المختلف بین أئمة السلف، مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.

طرابلسی، ابن براج، قاضی، عبد العزیز (۱۴۰۶)، المهذب (لابن البراج)، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷)، المبسوط فی فقه الإمامیه، تهران: المکتبه المرتضویه لإحياء الآثار الجعفریه.

طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، الخلاف، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

- طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۰۷)، تهذیب الأحکام (تحقیق خراسان)، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- عاملی، سید جواد بن محمد حسینی (بی تا)، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه (ط - القديمه)، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- عاملی، سید محمد حسین ترحینی (۱۴۲۷)، الزبدۀ الفقهيۀ فی شرح الروضۀ البهيۀ، قم: دار الفقه للطباعة و النشر.
- عاملی، شهید اول، محمد بن مکی (بی تا)، القواعد و الفوائد، قم: کتابفروشی مفید.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۰)، الروضۀ البهيۀ فی شرح اللمعۀ الدمشقیۀ (المحشی - کلاتر)، قم: کتابفروشی داورى.
- عاملی، شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳)، مسالک الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام، قم: مؤسسه المعارف الإسلامیة.
- فیومی، احمد بن محمد مقرئ (بی تا)، المصباح المنیر فی غریب الشرح الكبير للرافعی، قم: منشورات دار الرضی.
- قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲)، قاموس قرآن، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- قمی، صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳)، من لا یحضره الفقیه، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- قندهاری، محمد آصف محسنی (۱۴۲۴)، الفقه و مسائل طبیة، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- قیاسی، جلال الدین، حبیبی، سیده زهرا (۱۳۹۴)، قاعده تزامم در سقط جنین درمانی، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال یازدهم، شماره چهل و یک، صص ۴۹-۲۱۱.
- کابلی، محمد اسحاق فیاض (۱۴۲۶)، رساله توضیح المسائل (فیاض)، قم: انتشارات مجلسی.
- کابلی، محمد اسحاق فیاض (بی تا)، منهاج الصالحین (للفیاض)، بی جا.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷)، الکافی، تهران: دار الکتب الإسلامية.
- کلینی، ابو جعفر، محمد بن یعقوب (۱۴۲۹)، الکافی (ط - دار الحديث)، قم: دار الحديث للطباعة و النشر.
- گنجینه استفتائات قضایی، قم: مرکز تحقیقات فقهی حقوقی قوه قضاییه.
- لنکرانی، محمد فاضل موحدی (۱۴۲۵)، جامع المسائل (عربی - للفاضل)، قم: انتشارات امیر قلم.
- محمود عبد الرحمان (بی تا)، معجم المصطلحات و الألفاظ الفقهيۀ، بی جا.
- مشکینی، میرزا علی (بی تا)، مصطلحات الفقه، بی جا.

مفید، بغدادی، محمد بن محمد بن نعمان عکبری (۱۴۱۳)، *المقنعة (للشیخ المفید)*، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید - رحمه الله علیه.

میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۹)، *جرایم علیه تمامیت جسمانی/اشخاص*، تهران: میزان.
نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن (۱۴۰۴)، *جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام*، لبنان: دار إحياء التراث العربی.

نجفی، کاشف الغطاء، احمد بن علی بن محمد رضا (۱۴۲۳)، *سفینه النجاة و مشکاة الهدی و مصباح السعادات*، نجف: مؤسسه کاشف الغطاء.

واسطی، زبیدی، حنفی (۱۴۱۴)، *محب الدین*، سید محمد مرتضی حسینی، *تاج العروس من جواهر القاموس*، لبنان: دار الفكر للطباعة و النشر و التوزيع.